**

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه ج 11 - احکام تخلی – 21/7/1400

( احکام تخلی - دلایل جواز نظر به عورت از طریق دستگاه‌های پزشکی - اشکال استاد و مرحوم حکیم به دلیل مرحوم نراقی - استناد به روایات در این مساله )

علمای فقه دلایلی را فرمودند که پزشکان می توانند از طریق ابزار پزشکی بدن زن و مرد و عورت را ببینند این دلایل بر اساس همان مبانی است که دارند

دلیل اول بر جواز : صورت اشیاء در درون حدقه چشم زمانی که به صورت تصویر چاپ شود و از قبیل انکسار نباشد اشکالی در دیدن آن اشیاء نیست

انکسار چیست ؟ آن اشعه ای است که از چشم خارج و بر روی اشیاء واقع می‌شود و باعث می شود آن اشیاء را درون چشم منعکس کند و از آن جهت انکسار می گویند که اشعه چشم اشیاء را واژگون و منعکس به چشم می رساند

منظور از انطباع این است که یک تصویری در یک ساختاری مثل آینه یا آب صاف یا مانیتور یا تجهیزات عکس برداری رخ می‌دهد آنگاه چشم آن به صورت منطبعات می بیند لذا اشکالی ندارد که اگر عکس عورت در آینه یا .... بیفتد و پزشک آن را ببیند و آنچه اشکال دارد انکسار است نه انطباع که مستقیما باشد اولین کسی که این نظر را دادند مرحوم نراقی در مستند الشیعه فی احکام الشریعه ج ۱۶ ص ۶۰ می باشد

اشکال استاد : مستفاد از روایات حرمت نگاه معلق بر نفس عورت است که دیدن عورت واقعی حرام است و انکسار و انطباع در حریم عورت واقعی است و هر کدام که باشد عورت را خارج نمی کند از واقعیت به خصوص که آینه بگذارد و مستقیم ببیند یا در آب و ..... لذا ادله حرمت نگاه به عورت هم انکسار و هم انطباع را می گیرد آنچه به حسب ارتکاز عرف این است که نگاه به تصویر عورت مستقیما نگاه به همان عورت است لذا صحیح است که گفته شود پزشک عورت را می بیند و درمان می کند

اشکال مرحوم سید حکیم در مستمسک ج ۵ ص۲۵۰ بر مرحوم نراقی ره : آنچه موضوع حرمت است احساس خاصی هست یعنی دیدن است و دیدن مطلق است اعم از اینکه از طریق آینه ببیند یا خودش را ببیند لذا هیچ خصوصیتی برای دیدن نیست اگر مثلا امام علیه السلام می فرمود دیدن با چشم حرام است حق با شما بود و خاص بود اما امام علیه السلام فرمودند نگاه به عورت حرام است حال با هر وسیله ای باشد

مرحوم اقای خویی در تنقیح ج ۳ ص ۳۶۴ ، همین را میفرماید که ادله حرمت نگاه به عورت هیچ قصوری ندارد نسبت به دیدن از طریق شیشه و آینه یعنی آنها را هم شامل می شود

دلیل دوم : از محقق در شرایع و صاحب جواهر و ... که ادله حرمت نگاه به عورت مقید به اختیار است یعنی از روی اختیار حرام است اما اگر ضرورت شد جایز است ، استدلال این گروه به روایات در ابواب متعدد است :

روایت اول : عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ يُصِيبُهَا الْبَلَاءُ فِي جَسَدِهَا إِمَّا كَسْرٌ وَ إِمَّا جُرْحٌ فِي مَكَانٍ لَا يَصْلُحُ النَّظَرُ إِلَيْهِ يَكُونُ الرَّجُلُ أَرْفَقَ بِعِلَاجِهِ‏ مِنَ النِّسَاءِ أَيَصْلُحُ لَهُ النَّظَرُ إِلَيْهَا قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْيُعَالِجْهَا إِنْ شَاءَتْ.[[1]](#footnote-1)، در باب معالجه زن به توسط مرد وارد شده است که امام فرمود اگر زن به معالجه مرد مضطر شد در صورتی که زن بخواهد مانعی ندارد

تقریب استدلال : بر روی سوال است که از امام شده که آسیبی بر بدن زن وارد شده و هم طبیب مرد و زن است اما طبیب مرد در این موارد قوی تر است آیا می شود معالجه کند امام فرمود اگر زن مضطر شد مانعی ندارد

**◼روایت دوم :** عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: (سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام) عَنِ الْمَرِيضِ‏ هَلْ‏ تُمْسِكُ لَهُ الْمَرْأَةُ شَيْئاً فَيَسْجُدَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُضْطَرّاً لَيْسَ عِنْدَهُ غَيْرُهَا وَ لَيْسَ شَيْ‏ءٌ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا وَ قَدْ أَحَلَّهُ لِمَنِ اضْطُرَّ إِلَيْهِ.[[2]](#footnote-2)

بیمار مردی که نمی تواند سجده کند و نیاز به کمک دارد آیا زن می تواند ما یصح السجود را برای او نگه دارد امام فرمودند نمی‌تواند بعد فرمودند الا اینکه مضطر باشد و غیر این زن نامحرم کسی پیش او نباشد بعد به صورت قاعده کلی فرمودند هیچ حرامی نیست که در حال اضطرار حلال می شود

روایت سوم : عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ‏ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ (علیه السلام) يَسْأَلُهُ عَنِ الْمُغْمَى عَلَيْهِ يَوْماً أَوْ أَكْثَرَ هَلْ يَقْضِي مَا فَاتَهُ مِنَ الصَّلَوَاتِ أَوْ لَا فَكَتَبَ لَا يَقْضِي الصَّوْمَ وَ لَا يَقْضِي الصَّلَاةَ.[[3]](#footnote-3) روایت در باب قضای نمازهای فوت شده از فرد بیهوش ، امام هادی علیه السلام فرمودند نمازی که از بیهوش فوت شده قضا ندارد چون کل ما غلب الله علیه فالله اولی بالعذر استناد امام علیه السلام به آیه ان الله غالب امره است

روایت چهارم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الْفَقِيهِ (علیه السلام) فِي رَجُلٍ أَرَادَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَى امْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا بِمَحْرَمٍ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهَا مِنْ وَرَاءِ السِّتْرِ وَ يَسْمَعَ كَلَامَهَا إِذَا شَهِدَ رَجُلَانِ عَدْلَانِ أَنَّهَا فُلَانَةُ بِنْتُ فُلَانٍ الَّتِي تُشْهِدُكَ وَ هَذَا كَلَامُهَا أَوْ لَا تَجُوزُ لَهُ الشَّهَادَةُ عَلَيْهَا حَتَّى تَبْرُزَ وَ يُثْبِتَهَا بِعَيْنِهَا فَوَقَّعَ (علیه السلام) تَتَنَقَّبُ وَ تَظْهَرُ لِلشُّهُودِ إِنْ شَاءَ اللَّه‏.[[4]](#footnote-4)

همه این موارد بر افراد ضرورت دلالت دارد.

1. - وسائل الشيعة، باب 130 من ابواب مقدمات النکاح، ح1. [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان، باب 1 من ابواب القیام کتاب الصلاه، ح7. [↑](#footnote-ref-2)
3. - همان،(20 جلدی) ج5 ص352،ح2 و 3. [↑](#footnote-ref-3)
4. - همان، باب130 من ابواب مقدمات النکاح،ح1. [↑](#footnote-ref-4)